

نشریه علمی پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال یازدهم، شماره چهل و یکم، بهار ۱۳۹۸ ص ۲۶-۱

علل و انگیزه‌های رویکرد تعلیمی در منظومه‌های عاشقانه شیرین و خسرو و مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها* - دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران**

چکیده

گونه ادبی شعر تعلیمی حدود و ثغور خاصی ندارد و در بطن و جوف اغلب مضامین شعر فارسی از جمله ادب غنایی جاری و ساری است و این امر بدان سبب است که برای شاعران عارف، داستان بهانه‌ای برای طرح مباحث تعلیمی بوده است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی و اندرزی را در منظومه‌های غنایی شیرین و خسرو و مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی بررسی و تحلیل کند. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) از عارفان و شاعران نام‌آور پارسی‌گوی هندوستان است. او در سرودن مثنوی عاشقانه، پیرو نظامی گنجوی است. یکی از موضوعات مهم در منظومه‌های عاشقانه امیر خسرو، توجه و ترویج معنویت و اخلاق است که تحت‌تأثیر اندیشه‌های عرفانی وی نزع یافته است. او سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او را در دستیابی به سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان ayalameha@dehaghan.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور یزد asieh.zabihnia@gmail.com

اخروی، ضروری و لازم می‌داند. جستار حاضر با واکاوی کیفیت انعکاس مباحث اندرزی و طرح آن در *مجنون و لیلی* و *شیرین و خسرو* به این نتیجه دست یافته که توجه به اصول اخلاقی در ترسیم جامعه‌ای ایدئال و آرمانی، بیش از هر معنایی، و تلاش انسان برای تسکین روحی، آرامش و امنیت، در نتیجه حصول به جامعه‌ای اخلاقی انسانی در فضای همواره پرآشوب و هراسناک دنیوی، از گذشته تا امروز مؤثر و مفید است. دنیایی اخلاق‌گرا، مقدس و آرمانی که همگی انسان‌ها در اوج خود شکوفایی قرار گرفته و به تکامل شخصیتی خویش رسیده‌اند.

واژه‌های کلیدی

امیر خسرو دهلوی، *مجنون و لیلی*، *شیرین و خسرو*، ادب تعلیمی، اندرز.

۱. مقدمه

شعر تعلیمی هم از گذرگاه اخلاقی و هم از گذرگاه عاطفی، ما را با زندگی شاعر پیوند می‌دهد تا با تحلیل اشعار و کشف جنبه‌های آن، که در واقع انعکاس زندگی و برخورد شاعر با معیارها و ارزش‌هاست، با شخصیت شاعر و دیدگاه وی بیشتر آشنا شویم. همچنین «یکی از ارکان استواری، ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق‌زمین، همواره تأکید بر اصول و آموزه‌های اخلاقی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۴). اخلاق جمع خُلُق است و خُلُق به معانی خوی، عادت، سجیه، سیرت و... استعمال می‌شود: «الخُلُق و الخُلُق. هو الدین و الطبع و السجیه و... و لهما اوصاف حسنة و قبیحة...» (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۸۶). طوسی نیز در تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاق نوشته است: «اخلاق جمع خُلُق، و در لغت به معنی خوی‌هاست» و در اصطلاح علمای علم اخلاق، «مجموعه صفات و ملکات روحی و نفسانی است که منشأ صدور افعال مناسب به‌آسانی و بدون

به‌کارگیری فکر و اندیشه می‌شود» (طوسی، ۱۳۶۰: ۶۰). از سوی دیگر، مکارم اخلاق یا فضایل اخلاقی صفاتی است که به انسان شخصیت عالی انسانی می‌بخشد و او را به مراتب رفیع کمال می‌رساند.

امیر خسرو دهلوی از عارفان و شاعران نامدار پارسی‌گوی هندوستان، در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. او از ترکان ختایی ماوراءالنهر بوده که در زمان مغول پدرش به هند رفت. پدرش او را به شیخ نظام اولیا (۷۲۵ق) سپرد. امیر خسرو تا پایان عمر مرید این شیخ شد و به سلسله چشتیه درآمد. وی شاعری پرکار است که در انواع نظم و نثر دست دارد و آثارش مبین قدرت شاعری و نویسندگی اوست. خسرو پنج مثنوی معروف خود به نام‌های *مطلع الانوار*، *شیرین و خسرو*، *مجنون و لیلی*، *آینه اسکندری* و *هشت‌بهشت* را طی سه سال و به پیروی از *خمسه نظامی گنجوی* سرود. ادوارد براون می‌نویسد: «امیر خسرو قریب یک کرور بیت به نظم درآورده که از آن‌ها میرزا بایسنقر به سعی و جهد بسیار، یکصدوبیست هزار بیت جمع نمود و بعد از آن دو هزار بیت از غزلیات خسرو را جایی که در دیوان او نبوده و دانسته که جمع کردن این اشعار امری معتذرالحصول است و به ترک آن گفته» (براون، ۱۳۵۱: ۱۵۶) است. امیر خسرو با دقت و بی‌طرفی، آثار خود را مورد نقد (به‌ویژه از نظر اخلاق) قرار می‌دهد. او در مقدمه دیوان *غرة الکمال* خویش، به نقد اخلاقی شاعران می‌پردازد و از روی تواضع اعتراف می‌کند که در شعر استاد نیست. او چنان‌که خود می‌گوید نه طرزی خاص اختراع کرده و نه در لفظ و معنی از خطا مصون مانده؛ لیکن بیانش قوی و استادانه است. تنوع سبک که در آثار او محسوس است، رنگی خاص به شعر او می‌بخشد. او شاعران را به چند دسته تقسیم می‌کند:

– استاد تمام: و آن کسی است که مخترع طرز و روشی خاص باشد، مثل حکیم

سنایی، انوری، ظهیر، نظامی.

- استاد نیم‌تمام: خود موجد طرز خاصی نیست، لیکن پیرو شیوه و طرزى خاص بوده و در آن به درجه کمال رسیده باشد.

- سارق: آن‌که معانی و مضامین دیگران را دستبرد می‌کند.

از نظر او شاعر استاد چهار شرط دارد: شرط اول: مخترع طرزى خاص باشد؛ شرط دوم: کلامش روی اسلوب شعرا باشد؛ شرط سوم: به طریقه صوفیان و واعظان نرفته باشد؛ شرط چهارم: از لغزش و اشتباهات محفوظ باشد.

امیر خسرو در ادامه می‌گوید: «از این چهار شرط من فقط حائز دو شرطم: سرقت نمی‌کنم و کلامم به طریقه ارباب و عظم و تصوف نیست، اما موجد طرزى خاصى نیستم و کلامم از لغزش تهی نیست» (به نقل از: شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۳۹) امیر خسرو اغلب سرآغاز منظومه‌های عاشقانه خویش را به اندرز و نصیحت اختصاص می‌دهد. البته واضح و مبرهن است که قدما قصه را، حتی منظومه‌های عاشقانه را، بهانه و دستاویزی برای بیان مضامین اندرزی در نظر می‌گرفتند. لذا شاعرانی که منظومه‌های غنایی می‌سرایند، «می‌کوشند تا از هر فرصتی برای تعلیم مفاهیم اخلاقی بهره گیرند» (یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۲۴). پژوهش حاضر به شیوه توصیفی و تحلیلی تلاش می‌کند با توجه به لایه‌های معنایی داستان‌های غنایی مجنون و لیلی و شیرین و خسرو، ردپای مضامین اندرزی و اندیشه‌های والای انسانی را بازنمایی کند.

۲-۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

تاکنون منظومه‌های عاشقانه امیر خسرو از دیدگاه تعلیمی بودن بررسی نشده، اما برخی از آثاری که درباره شعر او منتشر شده، به ترتیب سال نشر به شرح زیر است:

- «امیر خسرو دهلوی» (نفیسی، ۱۳۰۸) منتشر در مجله *ارمغان*. نویسنده مقاله مذکور به‌طور مختصر به زندگی امیر خسرو پرداخته است.

- «امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی» (خلیل، ۱۳۲۳) چاپ در مجله *آریانا*. هدف

- نویسنده این مقاله، معرفی امیر خسرو و بررسی نسب‌نامه این شاعر شهیر است.
- «امیر خسرو دهلوی» (معین، ۱۳۳۱) منتشر در مجله تحقیقات تاریخی. نویسنده مقاله به‌طور مجمل، به ارائه و نقل زندگی امیر خسرو پرداخته است.
- «امیر خسرو دهلوی» (زرین‌کوب، ۱۳۵۴) چاپ در مجله تحقیقات ادبیات و زبان‌ها. در این مقاله، نویسنده به معرفی زندگی امیر خسرو بسنده می‌کند.
- «حافظ و خسرو» (مجتبایی، ۱۳۶۴) منتشر در مجله آینده. مقاله مذکور به بررسی همسانی اشعار حافظ و امیر خسرو دهلوی می‌پردازد.
- «دیباچه دواوین امیر خسرو دهلوی» (ریاض، ۱۳۶۶) چاپ در مجله دانش اسلام‌آباد. نویسنده این مقاله با کمی نگاه منتقدانه به بررسی مقدمه‌های دیوان امیر خسرو که تاکنون منتشر شده، پرداخته است.
- «ریخت‌شناسی و عناصر زینتی اشعار امیر خسرو دهلوی» (یدی و وفایی، ۱۳۹۲) چاپ در مجله زیبایی‌شناسی ادبی. در این مقاله، آثار امیر خسرو از نظر شکل و ظاهر و ویژگی اشعار او با نگاهی به آرایه‌های ادبی بررسی شده است.
- «حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الانوار امیر خسرو» (ناصر و یزدانی، ۱۳۹۲) چاپ در نشریه ادبیات تعلیمی دهقان. هرچند که در مثنوی مطلع الانوار، تعالیم اخلاقی بی‌شماری به چشم می‌خورد تا جایی که کل این اثر به‌عنوان مجموعه‌ای تعلیمی در نظر گرفته می‌شود.
- «پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیر خسرو» (بهروز، ۱۳۹۳) چاپ در مجله فنون ادبی. نویسنده این مقاله به بررسی موردی مضامین عاشقانه در لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیر خسرو پرداختند.
- همان‌گونه که از عناوین مقالات فوق پیداست، اغلب آن‌ها به شرح زندگی امیر خسرو و معرفی وی پرداختند و کمتر اشعار او تحلیل شده، لذا ضرورت دارد تا اشعار

او از دیدگاه اندرزی یا سایر مباحث مورد بررسی قرار گیرد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مجنون و لیلی

مجنون و لیلی سومین منظومه امیر خسرو است که شاعر در سال ۶۹۸ق در ۲۶۶۰ بیت سروده و یکی از بهترین منظومه‌هایی است که تحت تأثیر لیلی و مجنون نظامی شکل گرفته است. این اثر دو بار به سال ۱۲۴۴ و ۱۲۸۶ در کلکته و لکنهو چاپ شده است. این منظومه دهلوی حکایتی با لحن یکپارچه غم و اندوه است و شرح عشقی است که در مکتب‌خانه شکل می‌گیرد. این عشق گرچه سرچشمه زمینی و جسمانی دارد، در نهایت منجر به عشقی پاک، مطلق و آمیخته به عفاف می‌شود. داستان مجنون و لیلی سرگذشت عشقی پر از درد و حرمان است که دو قبیله را با مسئله‌ای دشوار روبه‌رو می‌کند. شور و دلدادگی بر مجنون حاکم می‌شود و از عشق لیلی سر به بیابان می‌گذارد. در این حکایت، مجنون را برخلاف میل وامی‌دارند تا با دختر نوفل عروسی کند، او عروس را ترک می‌کند و باز راه بیابان پیش می‌گیرد، اما این خبر لیلی را به شکایت و عتاب وامی‌دارد. سرانجام لیلی با خبر دروغ وفات مجنون بیمار می‌شود و می‌میرد. مجنون هم که از واقعه وفات لیلی خبر می‌یابد بر سر تربت او می‌رود، همان جا جان می‌دهد.

۲-۲. شیرین و خسرو

امیر خسرو منظومه شیرین و خسرو را به سال ۶۹۸ق در مقابل خسرو و شیرین نظامی در ۴۱۲۴ بیت سرود. شیرین و خسرو داستان عشق پر ماجرای خسرو، شاهزاده ایرانی، با شیرین برادرزاده بانوی ارمنی است که به راهنمایی شاپور، ندیم خسرو، یکدیگر را می‌بینند و بعد از قهر و آشتی‌های فراوان، سرانجام به هم می‌رسند. در این

میان، نه ازدواج خسرو با شکر او را از عشق شیرین بازمی‌دارد و نه رازونیا‌های فرهاد کوهکن می‌تواند و سوسه‌ای در دل شیرین ایجاد کند. نکته جالب توجه در تعلیمی بودن شیرین و خسرو، وجود «شیرین» به‌عنوان تعلیم‌گر در سراسر داستان است. «شیرین در عین حال که به نوعی باعث و محرک همه دیوانه‌بازی‌های خسرو است، اما داعیه توجه دادن خسرو به وظایف اخلاقی را نیز دارد و از این روست که در گیرودار همه لحظات شاد، گاه‌به‌گاه هشدار می‌دهد، نکوهش می‌کند و در واقع نقش یک وجدان ملامت‌گر را بازی می‌کند» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۱۰۶).

۳-۲. علل و انگیزه‌های رویکرد تعلیمی و اندرزی در منظومه‌های عاشقانه

مجنون و لیلی و شیرین و خسرو

معیارهای امیر خسرو در منظومه‌های عاشقانه، ترغیب به پندآموزی و آموزش راه‌ورسم زندگی است. «عرصه ادبیات تعلیمی بسیار گسترده است و به‌جز آثاری که در راستای تعلیم و به‌خاطر سپردن علوم مختلف مانند صرف و نحو، طب، ریاضیات و... سروده و نوشته می‌شد، بسیاری از آثار ادبی نیز موضوع یا اندیشه‌ای را به مخاطب انتقال می‌داد و مخاطب از طریق آن به دیدگاه و اندیشه‌های اخلاقی و تربیتی دست می‌یافت. حتی ادبیات غنایی نیز خالی از مختصات ادب تعلیمی نیست» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۷). داستان‌های غنایی از مهم‌ترین آثاری هستند که بیشترین تأثیرات را اعم از شادی، اندوه و... بر ذهن و روح خواننده می‌گذارند و جدای از مضامین شادی‌آور یا غم‌بار درون خود، بازتابی از مسائل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی روزگار شاعرند. اخلاق و مضامین تعلیمی راهبردی‌ترین اصل در حفظ زندگی اجتماعی است که ترویج آن از سوی اعضای جامعه لازم و ضروری است و شاعران در این امر نقش برجسته‌تری دارند، همچنین «ادبیات تعلیمی سعی در ارتقا و اعتلا و پرورش روح انسانی دارد و هدف غایی آن نیز نیکبختی و خوشبختی نوع انسانی است و مخاطب این افکار و

مفاهیم نیز نوع بشر در طول تاریخ است نه خطاب‌ی شخصی و منحصر به فرد» (یلمه‌ها، ۱۳۹۳: ۸۱). در این پژوهش، اشعار دو منظومه غنایی امیر خسرو یعنی *مجنون و لیلی* و *شیرین و خسرو*، در ساحت دعوت به فضایل و مقابله با رذایل اخلاقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. با مطالعه و دقت و تفحص در این اشعار می‌توان آموخت که انسان برای نیل به کمال چگونه باید باشد. چگونه مراحل تکامل و خودسازی را طی کرده به مقام قرب الهی نایل آید. همچنین با مطالعه این اشعار می‌توان دریافت که امیر خسرو به چه میزان به تعالیم انسان‌ساز احاطه داشته است.

اینک برخی از مهم‌ترین انگیزه‌های مضامین اندرزی و تعلیمی در منظومه‌های غنایی *مجنون و لیلی* و *شیرین و خسرو*:

۲-۳-۱. ترغیب و تشویق

امیر خسرو شروع منظومه عاشقانه *مجنون و لیلی* را به نصیحت فرزند اختصاص می‌دهد. او از فرزند خویش می‌خواهد تا سعی و تلاش را در زندگی فراموش نکند:

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| خواهی که دلت نماند از نور | اندرز مرا ز دل مکن دور |
| پیوند هنر طلب چو مردان | وز بی‌هنران عنان بگردان... |
| لیکن نبود حیات جاوید | تا سر نکشی به ماه و خورشید |
| وان راست به اوج آسمان سر | کز جوهر علم یافت افسر |
| وان خواجه برد کلید این گنج | کو بر تن خویشان نهد رنج |

(امیر خسرو، ۱۹۶۴: ۴۹)

همان‌گونه که از ابیات فوق مشهود است، امیر خسرو دستیابی به کمال را در تلاش و سعی مداوم می‌داند. کلید گنج در رنج و کوشش فراوان است. علاوه بر امیر خسرو، در متون دینی و ادبیات عرفانی و شعر و نثر فارسی، بر لزوم سعی و کوشش تأکید فراوان شده است. در قرآن کریم آمده: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹).

خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: «از آسمان کلاه می‌بارد، اما بر سر آن که سر فرود آرد» (انصاری، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

- امیر خسرو کم‌گویی را تحسین می‌کند. ابیات وی نصایح راغب اصفهانی را در کتاب *محاضرات* تداعی می‌کند. راغب یک باب از کتاب *محاضرات* را بدین امر تخصیص می‌دهد و نقل می‌کند: «و قیل خیر الکلام ما قل و دل ولم یطل فیمل...» (راغب اصفهانی، ۱۹۰۲، ج ۱: ۲۶)؛ پرگویی مکن، بهترین سخن، واژه‌هایش اندک و معانی‌اش بسیار است.

| | |
|-------------------------------|---------------------------|
| کوتاه‌سخنی ستوده حالی ست | بسیار سخن زدی ملالی ست |
| لیک ار سخنی ست روح پرور | می‌گوی که عمر بیش بهتر... |
| زین سان که تو را سخن بلند است | خاموشی تو نه دلپسند است |

(امیر خسرو، ۱۹۶۴: ۴۵)

در ابیات فوق، امیر خسرو معتقد است زمانی که کسی «سخنش بلند است» نباید سکوت کند و باید سخن بگوید. فقط ابلهان بهتر است خاموشی گزینند.

- از دیدگاه امیر خسرو، بخشش مهم‌ترین عامل بازدارنده در مقابل آز و حرص و طمع است. بخشش «محبت و خدمت به دیگران، باعث ایجاد شادی، انرژی و نیرو می‌شود» (لبیبی رانکوهی، ۱۳۸۲: ۸۳). امیر خسرو بر سخا و بخشش تأکید بسیار دارد و آدمی را به این صفت اخلاقی تحریض و تشویق می‌کند. از دیدگاه امیر خسرو چون آدمی در نهایت با آمدن «مرگ» باید مال و مافیها را ترک کند، پس چه بهتر که تا زنده است بخشش کند و «بخیل» نباشد:

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| زان مایه که افتد به دامان | تنها نخوری چو ناتمامان |
| چون آمده گر یکی ست ور هفت | بدهی ندهی بخواهدت رفت |
| باری کم از آنک از تو چندی | آسوده شود نیازمندی |
| چون مرد به گرد مردمی گرد | نی همچو بخیل ناجوانمرد... |

خواهی که به مهتری زنی چنگ در یوزۀ کهتران مکن تنگ...
 گر بر تو زند فقیر جانباز در پیش خود از درم سپر ساز
 (امیر خسرو، ۱۹۶۴: ۵۳)

امیر خسرو توصیه می کند که تا زنده ایم باید همواره قدردان و شکرگزار نعمت های الهی باشیم؛ زیرا شکر، شناخت نعمت خداوند و سپاسگزاری آن نعمت است. تا نعمت داریم باید بخشش کنیم. هر لحظه ممکن است آن نعمت از کف برود و آدمی فقیر گردد. این امر همچون سلامتی است که اگر مراقب نباشیم ممکن است بیمار گردیم:

تا خانه بود ز نعمت آباد قدرش نشناسد آدمیزاد
 دولت چو عنان ز دست بر بود مالیدن دست کی کند سود
 نعمت به حضور سهل چیز است هر گه که ز دست شد عزیز است
 مردم که نیوفتد به سستی کی داند قدر تندرستی
 شناسد مرد قدر خویشان تا دور نیوفتد از ایشان
 (همان: ۲۶۶)

همان گونه که از ابیات فوق مشهود است، امیر خسرو تلاش دارد تا با تمهیدی و به روش استقرایی، اثبات کند که تا ثروت داریم باید ببخشیم؛ زیرا همواره، مال و خواسته را خطر فنا تهدید می کند.

- امیر خسرو در *مجنون و لیلی*، دو مناجات در ۱۰۳ بیت دارد که ۳۴ بیت آن خواهش و بقیه سپاس است. نخستین فضای مقدس روایت امیر خسرو که تأثیر بسیاری بر خواننده می گذارد، سپاس اوست. از نمونه های زیبای تحمیدیه، ستایش خداوند از زبان امیر خسرو در آغاز منظومۀ *مجنون و لیلی* است. این ابیات چنان پرمعنا سروده شده اند که به خوانندگان آرامشی خاص هدیه می دهند که با خواندن این دیباچۀ پرمحتوا، خود را برای ورود به اصل داستان آماده می سازد.

ای داده به دل خزینۀ راز عقل از تو شده خزینۀ پرداز

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| ای دیده‌گشای دوربینان | سرمایه ره تهی‌نشینان |
| ای توبه بهین صفت سزاوار | نام تو گره‌گشای هر کار |
| ای بنده‌نواز بندگی دوست | زان تو جهان ز مغز تا پوست |
| ای بیش ز دانش خردمند | فرمان تو نطق را زبان‌بند |
| ای سرّ تو بسته وهم را گوش | در معرفت تو عقل بیهوش... |
| ای قدرت تو به چیره‌دستی | از نیست پدید کرده هستی |
| ای جلوه‌گر بهار خندان | بیناکن چشم هوشمندان |
| ای صانع جسم و خالق روح | مرهم نه سینه‌های مجروح |

(همان: ۱)

شاعر در ابیات فوق تلاش دارد تا لزوم ستایش خداوند را یادآوری کند و مخاطب را تشویق و تحریض به نیایش و دعا سازد.

امیر خسرو نیایش حق را با عذر و پوزش به سبب گناهانش آغاز می‌کند. او از خداوند می‌خواهد که هرچه به صلاح اوست، به او عطا کند و نعمت شکرگزاری را در قلب او قرار دهد.

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ای عذرپذیر عذرخواهان | عفو تو شفیع پرگناهان |
| خسرو که کمینه بنده‌توست | در هرچه فتد فکنده‌توست... |
| بردار ز خاک ره که پستم | از دست رها مکن که مستم |
| هرچند تن گناه‌پرورد | در حضرت قرب نیست درخورد |
| با این همه گر پذیری این خاک | نقصان چه بود به عالم خاک... |

(همان: ۸)

امیر خسرو ابیاتی از منظومه‌ی *مجنون و لیلی* را به «دعا» اختصاص می‌دهد. او با حالتی عابدانه و با خلوص واقعی، با کردگار هستی سخن می‌گوید و در حق خانواده خود دعای خیر می‌کند. گویی او با این امر می‌خواهد خواننده را به دعا ترغیب سازد:

یارب که به رحمت گنه شوی از گرد گنه بشویشان روی
 آمرزش خویش یارشان کن بخشایش خود نثارشان کن
 می‌دار به خلدشان فراهم نوبت چو به من رسد مرا هم
 (همان: ۲۷۳)

دهلوی در آغاز منظومه شیرین و خسرو، بخشی را به‌عنوان «در نصیحت فرزندان» دارد که زبان به پند و اندرز او گشوده و دل‌بندش را به پرستش حق، راست‌گویی و... تشویق می‌کند:

نخستین پندم آن شد گر نیوشی که جز در طاعت یزدان نکوشی
 همیشه ز اعتقاد پاک پیوند خدا را بنده باش و نفس را بند
 بر آن کوش از نیاز سینه‌پرور که دامن پاک داری و آستین تر...
 به صفّ نیکنامان شو کمانگیر ز بدن‌امان گریزان باش چون تیر
 به منعم دار همچون مؤمنان هوش مکن چون کافران نعمت فراموش...
 اگر خواهی نکو باشی نکو باش همیشه راستکار و راستگو باش
 مترس از تهمتی کز راستکاری ست که مزد راستکاری رستگاری ست...
 به گیتی بایدت خورشیدرویی چو صبح دومین کن راستگویی
 نخستین صبح کآخر بی‌فروغ است سیه رویش پاداش دروغ است...
 (همو، ۱۳۶۲: ۲۶۳)

۲-۳-۲. تنبه و عبرت

از دیدگاه امیر خسرو، صبر آدمی را مقاوم می‌سازد و او را نیرومند بار می‌آورد. در صبر فوایدی برای تربیت نفس، تقویت شخصیت و افزایش توانایی آدمی در برابر دشواری‌ها و حوادث نهان است. صبر دری برای رهایی به عبودیت و بندگی محض در مقابل خدای تعالی است و به‌عنوان یکی از ارکان جهاد با نفس قلمداد می‌گردد، لذا او به انجام پیوسته و مداوم آن اصرار دارد و تأکید می‌ورزد:

داری به خرد درونه بر جای
بیرون ننهی ز عافیت پای
مردانه قدم برآری از گل
بندی به خدای خوشتن دل
تا بوک به صبر فرخ آرام
از کام روان برآیدت کام
(همو، ۱۹۶۴: ۱۰۷)

امیر خسرو باور دارد که صبر کلید همه درهای بسته است و همه امور با صبر حل می‌شود:

کانجا که بود شکستگی‌ها
صبر است کلید بستگی‌ها
دری که نشایدش نشان یافت
در درج صبوری‌اش توان یافت
کاری که به صبر برگشادند
بار دگرش گـره ندادند
(همان: ۱۰۷)

همان گونه که از ابیات فوق پیداست، امیر خسرو صبر را تحسین می‌کند و آن را بهترین «دُر» می‌خواند. صبر از جمله مفاهیم اخلاقی است که در اخلاق اسلامی روی آن تکیه فراوان شده، به طوری که واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار در ۹۳ آیه و ۴۵ سوره قرآن کریم به کار رفته است. در تفکر اسلامی، مشکلات و حوادث زندگی در واقع آزمایش‌هایی هستند که خداوند برای امتحان بندگانش در مسیر زندگانی آنها قرار می‌دهد. با این نگرش، در واقع قرآن کریم به مسلمانان می‌آموزد تا هنگام رویارویی با سختی‌ها در پی یافتن راه حل مناسب باشند، از بی‌تابی بپرهیزند تا از این امتحان سربلند بیرون بیایند. در عین حال خداوند به آنها وعده یاری و کمک نیز می‌دهد. راغب اصفهانی درباره معنای صبر می‌آورد: صبر به معنای در تنگنا نگه داشتن است... صبر نگه داشتن نفس است بر آنچه عقل و شرع آن را اقتضا کند و یا بازداشتن نفس است از آنچه عقل و شرع بازداشتن آن را اقتضا کند (راغب، ۱۳۶۲: ۲۷۳).

- امیر خسرو به علایق مادی دنیوی بی‌اعتناست؛ زیرا تنها با ترک دنیا و علایق دنیایی و با زهد و ورع است که می‌توان مقامات الهی را طی کرد. او بی‌اعتباری دنیا را

چنان با جان و دل دریافته است که تأثیر این مسئله را در اغلب ابیاتش به روشنی می‌توان دید. وی به مظاهر دنیای مادی بی‌توجه بوده است، چنان‌که در ابیات زیر این امر را متذکر می‌شود:

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| هیچ است جهان پیچ بر پیچ | دانسته نظر نکرد در هیچ |
| رنگین منگر گیای این کشت | کاوّل سمن است و آخر انگشت... |
| هر سرو و گّلی که روید از خاک | فردا همه هیزم است و خاشاک |
| ای آنک چو غافلان بخوابی | تا دل ننهی بر این خرابی |
| هان تا نخوری فریب ایام | کأنگه بردت که دادت آرام |

(امیر خسرو، ۱۹۶۴: ۲۴۷)

امیر خسرو در اغلب ابیاتش به‌طور مستقیم و غیرمستقیم هشدار می‌دهد: هیئات! حتی اگر عمر درازی داشته باشیم، عاقبت همه می‌میریم. پس نباید به مال دنیا غرّه شد:

| | |
|-----------------------------|-------------------------|
| مغرور مشو به ملک و مالی | کان نیست مگر کهن سفالی |
| مال از چه گشادکار از آن است | تشویش دل و هلاک جان است |

(همان: ۶۱)

همان‌گونه که از ابیات فوق مشهود است، بی‌اعتنایی به مال دنیا، گذرا بودن آن و... از درون‌مایه‌های اخلاقی هستند که در اشعار امیر خسرو از بسامد فراوان برخوردارند و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های او را در باب جهان آرمانی و انسان کامل را تشکیل می‌دهند.

- امیر خسرو فریبنکی دنیا و ایمن نبودن در برابر آن را هشدار می‌دهد:

| | |
|-----------------------------|-------------------------|
| منگر ز جهان فریب‌ناکی | کاندر پس آن بود هلاکی |
| چون خنده کند به پرده در برق | شمشیر زند ز شعله بر فرق |
| ایمن منشین به عالم خس | کز چرخ نرسد بی‌بلا کس |

(همان: ۶۰)

دانی که جهان فریب‌ناک است آسودگی‌اش غم و هلاک است

هر کاسه که خوان دهر دارد
هر سرخ‌گلی که در بهاری ست
هر نافه خوش که بوی هشته است
پنهان به نواله زهر دارد
در دامن او نهفته خاری ست
پنهان‌جگری در او سرشته است
(همان: ۸۵)

چون کار جهانست غم‌فروشی
دانی که بنای خاک سست است
تا کیسه تو نکرده خالی
تو نیز سوی جهان چه کوشی...
پیمان حیات نادرست است
شو بر سر نقد خویش حالی
(همان: ۹۷)

با آنک دهد جهان بقایی
عمر ار چه بر آدمی عزیز است
نقد شده چون توان ستد باز
هیچ است چو نیستش وفایی
عمری که چنین بود چه چیز است...
ما ساده‌دل و فلک دغاباز...
تیری کشد آسمان بدکیش
کز وی چو گذشت بر تو آید
منگر که به دیگری گشاید
(همان: ۲۵۸)

امیر خسرو در داستان خسرو و شیرین ما را آگاه می‌سازد که جهان دورنگ است و اعتباری ندارد. دورنگی صفتی است که همواره مورد مذمت بوده و امیر خسرو نیز در مورد جهان دورنگ و روزگار ریاکار چنین گفته است:

جهان در بی‌وفایی هست معذور
ز دست شب دهد چون روز را جام
وگر پوشد رخ روز از شب تار
پس آن کس کو دورنگی را نشان است
چو این مادر دورنگ آمد ز نیرنگ
که هستش تیرگی بایسته چون نور
نهد خفاش و بومش بی‌وفانام
خروس و زاغ خوانندش جفاکار
حقیقت قرّة‌العین زمان است
کجا زاید از او فرزند یکرنگ
(همو، ۱۳۶۲: ۳۰۴)

امیر خسرو اندرز می دهد که دنیا اعتباری ندارد و زندگی دو روزی بیش نیست:
 اگر جمعیتی داری زیاران فرو مگذار شکر حق گزاران
 که گردون گرچه چندین دیده دارد دو مردم را به هم دیدن نیارد...
 دو روزی کز غلط کامی برآید فریب آسمان خوردن نشاید
 اگر خواهی که چندان زنده مانی مخور با هیچ دشمن دوستکامی
 بسا شربت که خوش دارد دهانت چو خوردی باشد آن آسیب جانت
 (همان: ۳۶۰)

ابیات امیر خسرو مضامین اندرزی سعدی را در باب گذرا بودن زندگی به ذهن متبادر می سازد:

هان ای پسر ملک جاوید نیست ز دنیا وفاداری امید نیست
 (سعدی، ۱۳۷۲: ۶۵)
 جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس
 مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و کشت
 (همان: ۱۷۸)

از دیدگاه امیر خسرو، یادکرد مرگ، دوستی دنیا و شوق گناه را در دل کاهش می دهد. اگر آدمی همواره مرگ را نزدیک انگارد، در تدارک آخرت می کوشد و شوق دنیا در او کاهش می یابد:

چه سود از دارویش گر نوشداروست چو شخص ناتوان را در فنا روست
 که اول سر ز داروسای گیرد درین علت چه دارو جای گیرد
 طیب از داغ مرگ آزاد بودی گر از دارو حیات آباد بودی
 گنه بر مرگ و تهمت بر طیبیان کشد تقدیر جان کم نصیبیان
 (امیر خسرو، ۱۳۶۲: ۳۳۴)

- امیر خسرو باور دارد که زندگی کوتاه است و عمر شادی ها کوتاه تر. پس باید قدر

لحظات شاد را بدانیم. از نظر اسلام و قرآن، مؤمن شادترین انسان است. چون هرگز از سختی روزگار گلایه و شکوه و ناله نمی‌کند. دنیا را محل ماندن نمی‌داند و یک توقفگاه موقت به حساب می‌آورد. سختی‌ها را تحمل می‌کند و در انتظار وصال پروردگار، لحظه‌ها را با احساس رضایت و شادمانی سپری می‌کند. خداوند تبارک و تعالی نیز به خاطر این رضایت و شادمانگی مؤمن، عاشقانه او را دعوت به بهشت مخصوص خود می‌کند و لحظه‌های شادمانگی را برای او رقم می‌زند:

| | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| منازار گل هنوزت نازنین است | که هر گل را خزانی در کمین است |
| مبین کاسباب عیش از حد فزون است | شتاب زندگانی بین که چون است... |
| جوانی چیست ایدر؟ نقش خوابی | بنای آدمی خاکِ و آبی |
| بیندیش آن زمان کین خاک گم بخت | به زندان فراموشان کشد رخت... |
| بران کامی ز عیش ار می‌توانی | که بسیار اندر این حسرت بمانی |
| چو می‌دانی که گیتی را وفا نیست | دل اندر بی‌وفا بستن روا نیست... |
| مشو زین گونه مغرور جوانی | که بنیادی ندارد زندگانی |
| گل آمد تازه شد فصل بهاران | شرابی نوش کن بر روی یاران |

(همان: ۳۶۸)

- امیر خسرو به مخاطب خود یادآوری می‌کند که نتیجه غم خوردن چیزی جز بی‌حاصلی نیست. توصیه به شاد زیستن و نگاه واقع‌بینانه به جهان اطراف خود و پرهیز از غم و اندوه بی‌حاصل و در یک عبارت، اغتنام فرصت در شعر او دیده می‌شود.

| | |
|-------------------------------|----------------------------------|
| تهی دل کو به محرومی زبون است | چه داند لذت عالم که چون است |
| نه هر لذت سزای هر زبان است | نه هر میوه برای هر دهان است |
| سزای کام هرکس نیست هر چیز | نه سگ خرما خورد نه گربه گشنیز... |
| تو گر مردم مزاجی لقمه خور پاک | رها کن خرماجان را به خاشاک |
| چو نگذارد جهان در کام ماندن | به رغم او بیاید کام راندن... |

چو باقی نیست کس در گردش دهر
خوش آنک از شادمانی باشدش بهر
خوریم امروز آب باصفا را
که فردا خاک خواهد خورد ما را
بسا کس کانده فردا کشیدند
که دی مردند و فردا را ندیدند
پس آن بهتر در این دهروزه بنیاد
که داری دل به روی دوستان شاد
(همان: ۳۰۳)

امیر خسرو اعتقاد دارد دم را باید غنیمت شمرد؛ زیرا «جوانی» جاودانه نیست. حضرت امام علی^(ع) در این باره می‌فرماید: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛ فرصت همچون ابر می‌گذرد، پس فرصت‌های طلایی را غنیمت بدانید» (علی^ع، ۱۳۸۲: ۴۴۶).

نه پاینده‌ست بر مردم جوانی
نه کس را اعتماد زندگانی
چو اسباب جوانی رخت بر بست
سبل گردد به چشم نرگس مست
گل از بوی ار چه باشد نافه مشک
چو شد پژمرده خاشاکی بود خشک
(همان: ۲۹۳)

ابیات فوق بسیار به نظر سعدی شباهت دارد:

نگه دار فرصت که عالم دمی است
دمی پیش دانا به از عالمی است
(سعدی، ۱۳۷۲: ۱۱۸)

۲-۳-۳. انذار و هشدار

امیر خسرو حرص و طمع در مال دنیا را مذمت می‌کند. او عقیده دارد که اگر آدم مفلس و فقیری ناگاه، صاحب گنجی شود، از شدت آز و فزون‌خواهی، طریق هدایت را گم می‌کند. البته دیدگاه عرفانی امیر خسرو در ترک فزون‌خواهی و بی‌توجهی به مال دنیا بی‌تأثیر نیست:

افزون ز طلب چو یافت مردم
شک نیست که دست و پا کند گم
مفلس که رسد به گنج ناگاه
ز افزونی حرص گم کند راه
(امیر خسرو دهلوی، ۱۹۶۴: ۲۰۵)

۴-۳-۲. تذکار و یادآوری

امیر خسرو یادآوری می‌کند که باید قدر جوانی را دانست و دم را غنیمت شمرد. دم و زمان و وقت از اصطلاحات مهم صوفیه است و در نزد صوفیه توجه به آن اهمیت بسیار دارد، لذا شاعران عارف از جمله امیر خسرو سعی نمودند تا به صور مختلف بدان بپردازند:

| | |
|-----------------------------|---------------------------|
| غافل مشو از جوانی خویش | می ترس ز خصم جانی خویش |
| موی سیهت که تیره‌رنگی ست | از عاریت زمانه زنگی ست... |
| این شب که تو راست عشرت آموز | تا چشم به هم زنی شود روز |

(همان: ۲۵۹)

– نظر پاک داشتن و دیده به گناه نیالودن از دیگر تم‌های اخلاقی امیر خسرو است:

| | |
|-----------------------|------------------------|
| گر دیده طاهرت شود باز | در عیب کسان نظر مینداز |
| ور یابی بیانش یقینی | آن به که سوی خدای بینی |

(همان: ۶۵)

در اشعار امیر خسرو، بی‌وفایی و عهدشکنی مذمت شده است. او در منظومه شیرین و خسرو، وفاداری شیرین به خسرو را می‌ستاید:

| | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| مرنج از یار اگر در وی وفا نیست | که از خوبان وفا جستن روا نیست |
| وگر با کس وفایش بیش دیدی | مکافات وفای خویش دیدی |
| چو تو خوردی ز خوان دیگران چیز | نشیند دیگری بر خوان تو نیز |

(همو، ۱۳۶۲: ۳۱۴)

به نظر می‌رسد نظر امیر خسرو با دیدگاه سعدی نزدیکی و همسانی دارد:

| | |
|--|---------------------------------------|
| من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی | عهد نابستن از آن به، که بیندی و نیایی |
|--|---------------------------------------|

(سعدی، ۱۳۷۹: ۵۴۴)

| | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را | الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را |
|----------------------------------|------------------------------------|

(همان: ۳۶۱)

۴-۲. ارسال المثل تعلیمی در منظومه‌های عاشقانه مجنون و لیلی و شیرین و

خسرو دهلوی

مثل جمله‌ای اندرزی و اخلاقی، کوتاه و رساست که حاصل تجربیات مردمی است و میان آنان رایج است و مردم آن را بدون تغییر یا با کمی تغییر به کار می‌برند. در اغلب موارد، انگیزه و کاربرد مثل در نزد مردم در مواقع اندرز دادن و نصیحت کردن است. در منظومه‌های مجنون و لیلی و شیرین و خسرو مثل‌های فراوانی می‌یابیم که او با مضمون‌پردازی و مضمون‌سازی و الهام از محیط زندگی روزانه، نکات اخلاقی و اجتماعی طرح کرده است.

در منظومه مجنون و لیلی به نمونه‌هایی از ارسال المثل برخورد می‌کنیم که تعدادی به صورت عام درآمده‌اند و به گوش آشنا می‌آید و گروهی که شبیه به محتوای آن‌ها را با ظاهری متفاوت شنیده‌ایم و نمونه‌هایی که چندان فراگیر نیستند که به ذکر تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم:

| | |
|-------------------------|-----------------------------|
| چون گفت لطیف و درخور زه | گویند که هرچه کم بود به |
| | (امیر خسرو دهلوی، ۱۹۶۴: ۴۰) |
| ایمن بود از شکنجه درویش | زر هرچه که بیشتر بلا بیش |
| | (همان: ۶۲) |
| تا دل به قرار خویش باشد | شمشیر به کار خویش باشد |
| بر روی محیط پل توان بست | نتوان لب خلق را زبان بست |
| | (همان: ۸۲) |
| زان است شتر ز بار نالان | کان بار شتر کشد نه پالان |
| | (همان: ۹۸) |
| هر نکته کز آن کسی برنجد | رنجیده شود کسی که سنجد |

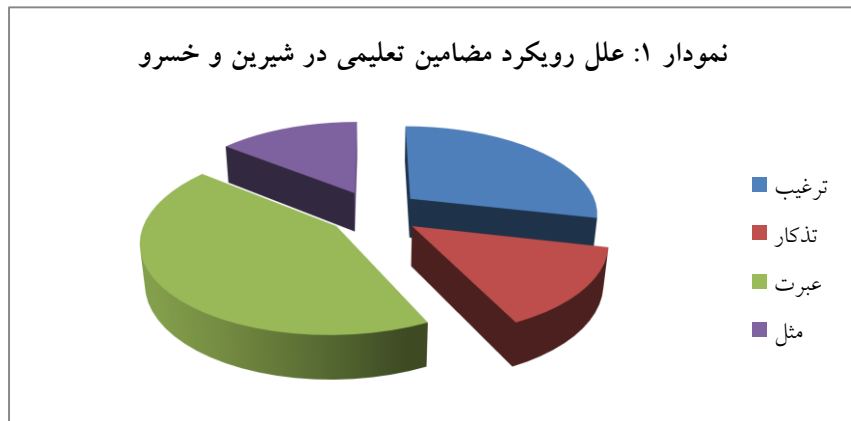
| | |
|---|-------------------------------|
| گفتن که نه آن ز داد باشد | پیمودن باد باد باشد |
| (همان: ۱۱۱) | |
| کرباس نو گرچه دلپذیر است | پیوند حریر با حریر است |
| | (همان: ۱۱۶) |
| گفتند به اتفـاق پیران | در سوخته به که خانه ویران |
| | (همان: ۱۱۹) |
| مهتاب که نور پاک دارد | از بانگ سگان چه باک دارد؟ |
| | (همان: ۱۸۹) |
| مشک ارچه بود به پوست خوش | بـویش خبـر آرد از درونش |
| | (همان: ۲۳۰) |
| در منظومه شیرین و خسرو هم مثل‌های اندرزی به چشم می‌خورد که هدف آن «تبیین هرچه بهتر مضامین اندرزی و انتقال آن‌ها به مخاطب است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۲۲) | |
| دُرست انـدوه بیماران نداند | که خفته حال بیداران نداند |
| | (امیر خسرو، ۱۳۶۲: ۲۹۶) |
| همه مستی نه با انگور یار است | که آب نیشکر هم مستکار است |
| چو گل نبود درمنه مشک ناب است | چراغ اندر دل شب آفتاب است |
| | (همان: ۳۰۰) |
| چو شیرین گهگهی پیشش رسیدی | نمک بودی که بر ریشش رسیدی |
| | (همان: ۳۱۱) |
| بلی این است رسم آدمیزاد | که دور افتاده را دیر آورد یاد |
| | (همان: ۳۱۶) |
| مکن خورشید را مهمان مهتاب | که با هم درنـسازد آتش و آب |
| | (همان: ۳۵۰) |

زمانه دیر شد کاین نسبت آراست که کژ با کژ نشیند راست با راست
(همان: ۳۶۵)

درختی کو بود همسایه عود ز بویش عود گردد عاقبت زود
(همان: ۳۷۵)

۳. نتیجه‌گیری

امیر خسرو دهلوی از شاعران عارف زبان فارسی است و برای عرفای شاعری که اخلاق‌مدار بودند، توجه به مسائل اخلاقی، تهذیب نفس و سیروسلوک باطنی مهم بوده و آنان، مخاطبان خود را نیز به اخلاق نیک و تزکیه درون دعوت می‌کرده‌اند. این امر در انگیزه کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های شیرین و خسرو و مجنون و لیلی نقش خیلی مهمی دارد و بدین سبب است که محور مهم بحث ارزش‌های اخلاقی در آثار امیر خسرو، تکیه بر کرامت و شرافت انسانی است. منظومه‌های غنایی مجنون و لیلی و شیرین و خسرو دهلوی را می‌توان به دو بخش عمده و اساسی روایی و تعلیمی تقسیم کرد؛ البته در پاره‌ای موارد آمیختگی خاصی بین این بخش‌ها نیز دیده می‌شود. در بخش روایی، شاعر به روایت یک داستان خاص با قهرمانان ویژه خود می‌پردازد. در خلال این داستان‌ها چه‌بسا داستان‌های دیگری روایت می‌شود و این تسلسل ادامه می‌یابد و شاعر با مهارت خاص خود و با اهداف ویژه، به چینش این وقایع می‌پردازد تا در کنار آن‌ها با بهره‌گیری از استعداد ذاتی خود در بیان توصیفات گوناگون، بخشی را نیز به‌عنوان تعلیم و حکمت به خوانندگان خود عرضه دارد. به نظر می‌رسد نتیجه کلی این قصه‌پردازی‌ها نیز در همان مبحث اندرزی و حکمی خلاصه می‌شود و خواننده آگاه خود را با امیر خسرو و آرا و اندیشه‌هایش همراه می‌سازد؛ البته هدف شاعر نیز همین است. گویی وی خواننده را با خود همراه می‌سازد و به عالمی بالاتر، معنوی‌تر و روحانی‌تر سوق می‌دهد. لذا در ورای داستان‌ها، شخصیت دهلوی به‌عنوان یکی از بزرگان شعر اخلاقی مشخص می‌شود و مجموعه منظومه‌های او که محتوی بر مطالب اخلاقی و تربیتی است، گواه بر این مدعاست.



همان گونه که در نمودار فوق مشهود است، بیشترین انگیزه کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه شیرین و خسرو، عبرت آموزی است. در منظومه غنایی شیرین و خسرو امیر خسرو، عشقی عجیب با عفاف شرح داده می‌شود که راه را بر هرگونه تطاول و شهوت می‌بندد.



بر اساس این نمودار، علت و انگیزه کاربرد مضامین تعلیمی در مجنون و لیلی امیر خسرو، هم ترغیب و تشویق بوده و هم تنبه و عبرت. و این دو مقوله به نسبت مساوی

در این منظومه به کار گرفته شده‌اند. امیر خسرو در قصهٔ مجنون و لیلی، تنها داستان عشقی نامراد را بیان نمی‌کند، بلکه به ارائهٔ تصویری از یک جامعهٔ دربسته و محکوم به سلطهٔ سنت‌ها می‌پردازد. تصور جامعه‌ای که هر گونه سنت‌شکنی را رد می‌کند و طی قرون متمادی بر رسوم اجدادی خود پافشاری می‌کند، سعدی هند را بر آن می‌دارد تا به جست‌وجوی جامعهٔ آرمانی بپردازد. او در خلال قصه به خوانندگانش، ناپایداری احوال دنیا، ضرورت توجه به صلح و عدالت و... گوشزد می‌کند و در ورای قصه به دنبال ایجاد دنیایی است که در آن بیداد مجازات می‌یابد و عدالت به پاداش می‌رسد. در مجموع تنوع مضامین و درون‌مایه‌های اندرزی و کارکرد آن‌ها در مجنون و لیلی بیشتر از شیرین و خسرو است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵)، *لسان العرب*، قم: ادب الحوزه.
۳. امیر خسرو دهلوی (۱۳۶۲)، *خمسه*، تصحیح امیراحمد اشرفی، تهران: شقایق.
۴. _____ (۱۹۶۴)، *مجنون و لیلی*، احمد اوغلی محرم اوف، مسکو: دانش.
۵. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۲)، *مجموعه رسایل فارسی*، تصحیح محمدسرور مولایی، تهران: توس.
۶. براون، ادوارد (۱۳۵۱)، *تاریخ ادبی ایران از سعدی تا جامی*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
۷. بهروز، سیده زیبا (۱۳۹۳)، «پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیر خسرو»، *فنون ادبی*، سال ششم، شماره ۱، ۱۴۳-۱۵۶.
۸. خلیل، محمدابراهیم (۱۳۲۳)، «امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی»، *مجله آریانا*،

شماره ۱۹، ۲۹-۸.

۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۹۰۲)، *محاضرات*، مصر: مطبعة الهلال.
۱۰. _____ (۱۳۶۲)، *المفردات فی غرایب القرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریه.
۱۱. ریاض، محمد (۱۳۶۶)، *دیباچه دواوین امیر خسرو دهلوی*، اسلام‌آباد: مجله دانش.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، *سیری در شعر فارسی*، تهران: نشر نوین.
۱۳. _____ (۱۳۵۴)، «امیر خسرو دهلوی»، *مجله تحقیقات ادبیات و زبان‌ها*، شماره ۴.
۱۴. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۹)، *کلیات*، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
۱۵. _____ (۱۳۷۲)، *بوستان*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۱۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، *سیک‌شناسی نظم*، تهران: نشر دانشگاه پیام‌نور.
۱۷. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۱۸. علی^(ع) (۱۳۸۲) *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: قدس.
۱۹. لیبی رانکوهی، منصور (۱۳۸۲)، *عصبا و درمان آن با تغذیه*، چ ۱، تهران، نشر لیب.
۲۰. مجتبابی، فتح‌الله (۱۳۶۴)، «حافظ و خسرو»، *مجله آینده*، سال یازدهم، شماره ۱-۳، ۶۹-۴۹.
۲۱. معین، محمد (۱۳۳۱)، «امیر خسرو دهلوی»، *مجله تحقیقات تاریخی*، شماره ۸۳.
۲۲. ناصح، مهدی، و یزدانی، سوسن (۱۳۹۲)، «حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الانوار امیر خسرو»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال پنجم، شماره ۱۷، ۲۵-۵.
۲۳. نفیسی، سعید (۱۳۰۸)، «امیر خسرو دهلوی»، *مجله ارمغان*، شماره ۸-۹، ۵۷۴.

۲۴. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۶)، «شگردها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی با تکیه بر منظومه نویافته ناز و نیاز»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، ۲۸-۱.
۲۵. _____ (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۶۱-۹۰.
۲۶. _____ (۱۳۹۳)، «پیام‌های جهانی شعر شهریار»، نامه فرهنگ آذربایجان شرقی، ویژه‌نامه شهریار، سال اول، شماره ۱، ۸۰-۹۷.
۲۷. _____ (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۵۳-۱۷۰.
۲۸. یدی، نرگس، و وقایی، عباسعلی (۱۳۹۲)، «رینخت‌شناسی و عناصر زینتی عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی»، مجله زیبایی‌شناسی ادبی، دوره پنجم، شماره ۱۸، ص ۲۳-۳۷.